

چگونه پایان نامه بنویسیم

(در علوم انسانی)

دکتر تورج عقدايي

www.ketab.ir

سرشناسه	: عقدائی، تورج، ۱۳۲۶ -
عنوان و نام پدیدآور	: چگونه پایان نامه بنویسیم (در علوم انسانی) / تورج عقدائی.
مشخصات نشر	: تهران: زوار، ۱۳۹۳.
مشخصات ظاهری	: ۲۵۶ ص.
شابک	: 978-964-401-510-6
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: پایان نامه ها - - شیوه نامه
موضوع	: علوم انسانی - - تحقیق - - روش شناسی
رده بندی کنگره	: ۱۳۹۳ ج ۸ / ع ۷ / LB ۲۳۶۹
رده بندی دیویی	: ۰۰۱/۴۲
شماره کتابشناسی ملی	: ۳۶۴۱۶۵۸



انتشارات زوار

□ چگونه پایان نامه بنویسیم (در علوم انسانی) □

□ نوشته / دکتر تورج عقدائی □

□ نوبت چاپ / اول - ۱۳۹۳ □

□ حروفچینی و صفحه آرایی / جهان بخش □

□ نظارت بر چاپ و صحافی / فرناز کریمی □

□ شمارگان / ۷۷۰ نسخه □

□ چاپ و صحافی / خاشع □

□ شابک / ۶-۵۱۰-۴۰۱-۹۶۴-۹۷۸ □

□ نشانی: تهران - خیابان انقلاب - خیابان ۱۲ فروردین - نبش شهید وحید نظری - پلاک ۲۷۸

تلفن: ۶۶۴۶۲۵۰۳ - ۶۶۴۸۳۴۲۳ - نمایر: ۶۶۴۸۳۴۲۴

قیمت: ۱۲۰۰۰ تومان

فهرست مطالب

۹۷	۲-۱۵-۵ روش تاریخی	۱	پیش گفتار
۹۸	۲-۱۵-۶ روش علی	۵	درآمد
۱۰۱	۲-۱۵-۷ روش مقایسه‌یی	۱۱	پایان نامه نویسی صنعت است
۱۰۳	۲-۱۵-۸ روش تحلیل محتوا	۱۵	فصل اول - ساختار پایان نامه و عناصر سازنده آن
۱۰۶	۲-۱۶ گردآوری اطلاعات	۱۵	درآمد
۱۱۱	۲-۱۷ ابزار گردآوری اطلاعات	۱۷	صفحات آغازین
۱۱۲	۲-۱۷-۱ برگه یا «فیش»	۱۷	۱-۱ صفحه‌ی عنوان به فارسی و صفحه‌ی عنوان به انگلیسی
۱۱۲	۲-۱۷-۲ مشخصات برگه	۲۰	۲-۱ سیاست گزاری
۱۱۵	۲-۱۷-۳ گونه‌های فیش برداری	۲۴	۳-۱ تقدیم
۱۱۵	۲-۱۷-۴ نقل قول مستقیم	۲۸	۴-۱ چکیده
۱۱۵	۲-۱۷-۵ نقل قول غیرمستقیم	۳۱	۵-۱ کلید واژه
۱۱۶	۲-۱۷-۶ خلاصه نویسی	۳۲	۶-۱ پیش گفتار
۱۱۸	۲-۱۸ نحوه‌ی استفاده از برگه‌ها	۳۵	۷-۱ مقدمه
۱۲۱	۲-۱۹ تجزیه و تحلیل اطلاعات	۵۰	فصل دوم - متن پایان نامه و اجزای آن
۱۲۲	۲-۱۹-۱ نقد ساختاری شعر «دربا»: دکتر شفیعی کدکنی	۵۰	۱-۲ تدوین
۱۲۷	۲-۲۰ پیشینه‌ی تحقیق	۵۳	۲-۲ بخش بندی
۱۳۴	نقد پیشینه‌ی پژوهش	۵۶	۳-۲ کلیات
۱۳۶	۲-۲۱ محدودیت‌های پژوهش	۵۸	۴-۲ موضوع
۱۳۷	۲-۲۲ نمونه‌ی عملی برای نوشتن کلیات روش تحقیق	۵۸	۱-۴-۲ انتخاب موضوع
۱۳۷	بیان مساله	۶۷	۲-۴-۲ حوزه‌ی مطالعاتی
۱۳۹	بررس‌های تحقیق	۶۶	۳-۴-۲ تحدید موضوع
۱۳۹	فرض‌های پژوهش	۶۹	۵-۲ عنوان
۱۴۰	اهمیت و ضرورت تحقیق	۶۹	۶-۲ طرح
۱۴۱	اهداف تحقیق	۷۶	۷-۲ کلیات روش تحقیق
۱۴۲	پیشینه‌ی تحقیق	۷۷	۸-۲ مراحل تصویب موضوع در کمیته‌ی تخصصی
۱۴۳	منابع‌های تحقیق	۷۷	و ارسال برای اخذ کد
۱۴۳	روش گردآوری اطلاعات	۷۸	۹-۲ پرسش‌های تحقیق
۱۴۳	ابزار گردآوری اطلاعات	۸۱	۱۰-۲ بیان مساله
۱۴۴	جامعده‌ی آماری	۸۴	۱-۱۰-۲ تعریف مفاهیم و اصطلاحات
۱۴۴	روش اجرای کار	۸۶	۱۱-۲ فرض‌های تحقیق
۱۴۵	محدودیت‌های پژوهش	۸۸	۱۲-۲ ضرورت تحقیق
۱۴۶	فصل سوم - گزارش تحقیق	۸۹	۱۳-۲ اهداف تحقیق
۱۴۹	۳-۱ نگارش	۸۹	۱-۱۳-۲ هدف علمی
۱۵۱	۳-۲ زبان	۹۰	۲-۱۳-۲ هدف کاربردی
۱۵۲	۳-۲-۱ زبان محاوره	۹۱	۳-۱۳-۲ هدف توسعه‌یی
۱۵۳	۳-۲-۲ زبان علمی	۹۲	۴-۱۳-۲ مبانی نظری
۱۵۳	۳-۲-۳ زبان ادبی	۹۳	۱۵-۲ روش تحقیق
۱۵۴	۳-۲-۴ زبان معیار	۹۳	۱-۱۵-۲ روش اصلی
۱۵۵	۳-۲-۵ زبان پایان نامه و مقاله‌ی علمی	۹۴	۲-۱۵-۲ روش کمی
۱۵۵	۳-۳ اجزای نوشته	۹۵	۳-۱۵-۲ روش کیفی
۱۵۵	۳-۳-۱ بند	۹۶	۴-۱۵-۲ روش توصیفی

۱۵۷	۲-۳-۳ ویژگی‌های بند
۱۵۹	۴-۳ پرورش مطالب
۱۵۹	۱-۴-۳ تعریف
۱۶۰	۲-۴-۳ توصیف
۱۶۱	۳-۴-۳ مقایسه و سنجش
۱۶۲	۴-۴-۳ استدلال
۱۶۳	۱-۴-۴ قیاس
۱۶۳	۲-۴-۴ استقرا
۱۶۴	۳-۴-۴ تمثیل
۱۶۵	۵-۳ استفاده از حکایات و روایات و روی‌دادها
۱۶۶	۶-۳ استفاده از تقابلهای دوگانه
۱۶۷	۷-۳ بخش‌بندی و تقسیم
۱۶۸	۸-۳ استناد
۱۶۹	۹-۳ استشهداد
۱۷۱	فصل چهارم - شیوه‌ی ارجاع به منابع و مأخذ
۱۷۲	۱-۴ مرجع
۱۷۲	۲-۴ منبع
۱۷۳	۳-۴ گونه‌های ارجاع‌نویسی
۱۷۳	۴-۴ ارجاع درون متنی
۱۷۴	۱-۴-۴ ارجاع به کتاب‌ها
۱۸۰	۲-۴-۴ ارجاع به مقاله‌ها
۱۸۱	۳-۴-۴ ارجاع به روزنامه
۱۸۱	۴-۴-۴ ارجاع به گزارش‌ها
۱۸۱	۵-۴-۴ ارجاع به مصاحبه‌ها
۱۸۱	۶-۴-۴ ارجاع به مواد قانون
۱۸۱	۷-۴-۴ ارجاع به قانون‌های مصوب، آیین‌نامه‌ها و اساس‌نامه‌ها
۱۸۱	۸-۴-۴ ارجاع به پایان‌نامه‌ها
۱۸۲	۹-۴-۴ ارجاع به منابع مجازی
۱۸۴	۵-۴ شیوه‌ی برون متنی
۱۸۴	۱-۵-۴ پانویشت
۱۸۵	۱-۱-۵-۴ ارجاع به کتاب در پانویشت
۱۸۸	۲-۱-۵-۴ ارجاع به مقاله
۱۸۹	۳-۱-۵-۴ ارجاع به گزارش
۱۸۹	۴-۱-۵-۴ ارجاع به کتاب قانون
۱۸۹	۵-۱-۵-۴ ارجاع به سخنرانی
۱۸۹	۱-۵-۴ ارجاع به مصاحبه
۱۹۰	۲-۵-۴ پی‌نوشت
۱۹۰	۳-۵-۴ تلفیق بانویشت و پی‌نوشت
۱۹۱	۸-۴ نکات مهم در ارجاع‌نویسی
۱۹۲	۹-۴ نقل با واسطه
۱۹۲	۱۰-۴ منابعی که برخی مشخصات نشر را ندارند
۱۹۳	فصل پنجم - بخش پایانی
۱۹۳	۱-۵ نتیجه‌گیری
۱۹۴	۲-۵ چکیده‌ی انگلیسی
۱۹۵	۳-۵ بیوسه‌ها
۱۹۵	۴-۵ فهرست منابع و مراجع (کتاب‌نامه)
۱۹۶	۱-۴-۵ کتاب‌ها
۱۹۷	۲-۴-۵ مجله‌ها
۱۹۷	۵-۴-۵ دفاع از پایان‌نامه
۲۰۰	فصل ششم - اصول و قواعد ویرایش
۲۰۱	۱-۶ ویرایش
۲۰۲	۲-۶ رسم الخط واژه‌های مرکب و مشتق
۲۰۷	۳-۶ املائی کلمات مختم به‌های بیان حرکت
۲۰۷	۴-۶ نشانه‌ی اضافه
۲۰۷	۵-۶ املائی وندهای تصریفی یا اجزای پیشین فعل
۲۰۸	۶-۶ املائی فعل اسنادی
۲۰۸	۷-۶ املائی ضمایر شخصی
۲۰۹	۸-۶ همزه در زبان فارسی
۲۰۹	۹-۶ املائی واژه‌های عربی در فارسی
۲۱۴	۱۰-۶ واژه‌ها و ترکیب‌های دو املائی
۲۱۶	۱۱-۶ جابه‌جایی واژگان
۲۱۹	۱۲-۶ اعراب واژگان
۲۲۱	فصل هفتم - علایم نشانه‌گذاری
۲۲۱	۱-۷ نشانه‌گذاری
۲۲۹	۲-۷ علایم ویرایش
۲۳۶	۳-۷ نمونه‌هایی برای ویرایش
۲۳۹	۴-۷ پانویس نهایی
۲۴۲	گزیده‌ی کتاب‌نامه

۱۵۷	۲-۳-۳ ویژگی‌های بند
۱۵۹	۴-۳ پرورش مطالب
۱۵۹	۱-۴-۳ تعریف
۱۶۰	۲-۴-۳ توصیف
۱۶۱	۳-۴-۳ مقایسه و سنجش
۱۶۲	۴-۴-۳ استدلال
۱۶۳	۱-۴-۴ قیاس
۱۶۳	۲-۴-۴ استقرا
۱۶۴	۳-۴-۴ تمثیل
۱۶۵	۵-۳ استفاده از حکایات و روایات و روی‌دادها
۱۶۶	۶-۳ استفاده از تقابلهای دوگانه
۱۶۷	۷-۳ بخش‌بندی و تقسیم
۱۶۸	۸-۳ استناد
۱۶۹	۹-۳ استشهداد
۱۷۱	فصل چهارم - شیوه‌ی ارجاع به منابع و مأخذ
۱۷۲	۱-۴ مرجع
۱۷۲	۲-۴ منبع
۱۷۳	۳-۴ گونه‌های ارجاع‌نویسی
۱۷۳	۴-۴ ارجاع درون متنی
۱۷۴	۱-۴-۴ ارجاع به کتاب‌ها
۱۸۰	۲-۴-۴ ارجاع به مقاله‌ها
۱۸۱	۳-۴-۴ ارجاع به روزنامه
۱۸۱	۴-۴-۴ ارجاع به گزارش‌ها
۱۸۱	۵-۴-۴ ارجاع به مصاحبه‌ها
۱۸۱	۶-۴-۴ ارجاع به مواد قانون
۱۸۱	۷-۴-۴ ارجاع به قانون‌های مصوب، آیین‌نامه‌ها و اساس‌نامه‌ها
۱۸۱	۸-۴-۴ ارجاع به پایان‌نامه‌ها
۱۸۲	۹-۴-۴ ارجاع به منابع مجازی
۱۸۴	۵-۴ شیوه‌ی برون متنی
۱۸۴	۱-۵-۴ پانویشت
۱۸۵	۱-۱-۵-۴ ارجاع به کتاب در پانویشت
۱۸۸	۲-۱-۵-۴ ارجاع به مقاله
۱۸۹	۳-۱-۵-۴ ارجاع به گزارش
۱۸۹	۴-۱-۵-۴ ارجاع به کتاب قانون
۱۸۹	۵-۱-۵-۴ ارجاع به سخنرانی

پیش‌گفتار

انسان موجودی است شگرف و حامل استعدادهای ناشناخته‌ی بسیار. خداوند او را برای «دانستن» و دانایی آفریده و استعداد کنجکاوی، پرسشگری و جست‌وجوگری همیشگی را، در او تعبیه کرده است. آدمی شناخت هستی، خود و خدا را از بدو تولد و از رهگذر «پرسیدن» آغاز می‌کند و تا پایان عمر رهرو این راه باقی می‌ماند.

با وجود آن‌که روش‌ها و ابزارهای معرفتی او یک سره در حال دگرگون شدن است، اصل نیاز به دانستن در او ثابت می‌ماند. او همواره با فکر کردن درباره‌ی پدیده‌ها و ساختن ابزارهایی که راه او را در رسیدن به اهدافش کوتاه کنند، و نیز با ابداع روش‌های تازه، راه خود را برای کشف حقیقت کوتاه‌تر می‌کند و سطح آگاهی‌های خود را برای داشتن زندگی بهتر، بالا می‌برد.

«اسطوره» دانش ابتدایی بشر است. آدمی حتی در این ابتدایی‌ترین دانش خود، با وجود ذهنی تهی از تجربه و آگاهی و نداشتن ابزار مناسب و بی‌خبری از روش، می‌کوشد، چپستی پدیده‌ها و نسبت آن‌ها را با یک‌دیگر و با کل هستی، در قالب روایات اساطیری، توضیح می‌دهد. این توضیحات که ما امروز آن‌ها را باور نمی‌کنیم، نخستین سنگ بنای دانش غول‌آسای ماست. زیرا همین توجیهات به ظاهر بی‌ربط و غیرعلمی، هسته‌ی اندیشه‌ی انسان برای حرکت به سوی حقایق امور به شمار می‌آید. با پشت سر گذاشتن دنیای اسطوره و ورود به تاریخ، آدمی به توانمندی ذهن خود و فرایند آن در هنگام اندیشیدن، پی برد و در حدّ توان، آن را تقویت کرد و به کار گرفت. اندیشیدن درباره‌ی اندیشه، مهم‌ترین مرحله تکامل ذهن بشر و در نتیجه رشد دانش و آگاهی او بوده است.

دانش بشر، از آغاز تا کنون حول دو محور «واقعیت» و «فراواقعیت»، که به ارضای ساحت‌های مادی و معنوی زندگی می‌انجامد، دور زده است. با وجود آن‌که در گذشته مباحث

ماوراءالطبیعی بسیار مورد توجه بوده و فیلسوفان به قدر توان بدان پرداخته و آثاری ارزشمند در معرفت آن، از خود بر جای گذاشته‌اند، علم‌گرایی در قرون معاصر، این گونه پژوهش‌ها را از رونق انداخت و از آن پس علوم تجربی بر اریکه‌ی قدرت تکیه زد و دانش بشر با سرعتی باور نکردنی و حیرت‌انگیز رشد کرد.

در این میان آزادی از قیود قرون وسطایی و ایجاد جوامع آزاد، به پیشرفت‌های علمی سرعت بخشید. اما بی‌تردید این پیشرفت‌ها در سده‌ی گذشته و حاضر با تمام پیشرفت‌های دانش بشر در طول تاریخ، برابری می‌کند. این پیشرفت‌های پرشتاب، دامنه‌ی دانش‌های بشری را چنان گسترده و شعبه‌هایش را چنان متعدد و متنوع می‌کند که، نیاز به «تخصص» در آن‌ها ناگزیر می‌شود.

تأثیر حیرت‌انگیز این پیشرفت‌ها، که چهره‌ی بیرونی زندگی را دگرگون کرد، علم‌گرایی و چه بسا علم‌زدگی را بر عقول و اندیشه‌ی انسان مسلط کرد و اسباب بی‌توجهی به انسان و علوم انسانی را فراهم آورد. به گونه‌یی که نگاه انسان به تمام مسائل، حتی به امور معنوی نگاهی علمی بود.

مطالعه‌ی آثار فلاسفه‌ی بزرگ جهان، سقراط و افلاطون و ارسطو، که زیربنای حرکت فکری دانش‌مندان حوزه‌ی علوم انسانی را تشکیل می‌دهد، به دلیل گستردگی و عمق، اذهان محققان را متحیر ساخت و در آغاز، به مثابه‌ی وحی منزل پذیرفته و سبب ایستایی علوم انسانی شد. اما از آن جا که ماهیت علم با پذیرش مطلق نظریه‌ها سازگاری ندارد، متفکران به نقد آثار این فیلسوفان پرداختند و اندیشه‌ی آنان را یا برای زندگی در عصر حاضر، متناسب ساختند یا کنار گذاشتند. بدین ترتیب علوم انسانی جایگاه واقعی خود را یافت و نه تنها به زمینه‌ی برای تحولات بنیادین اجتماعی بدل شد؛ بلکه به علوم تجربی هم برای تکامل زندگی بشر، جهت داد.

موضوع علوم انسانی، تحقیق درباره‌ی انسان در دو ساحت آفایی و انفسی است. بنابراین پژوهش‌های انسانی هم یا به مسائل ذهن و روان آدمی و کنش‌ها و واکنش‌های عواطف و احساسات او یا به مسائلی که ناشی از تعامل او با دیگران و جامعه است، مربوط می‌گردد.

به سخن دیگر هدف علوم انسانی بررسی این دو ساحت وجودی انسان و یافتن قوانین حاکم بر آن‌هاست. اگر چه در این علوم، مثل علوم تجربی، نمی‌توان میان روی‌داده‌ها و علل آن‌ها، رابطه‌ی قطعی یافت، نمی‌توان قواعد و قوانین حاکم بر آن‌ها را که ناشی از تجربه‌های زیسته‌ی آدمی است، نادیده گرفت.

علوم انسانی در عین استقلال، دیر زمانی است که زیستن در کنار دانش‌های دیگر را مغتنم می‌شمارد و فراتر از تعامل با آن‌ها، می‌کوشد از روش‌های علمی‌ای که به کار می‌گیرند، برای تحلیل مسایل خود و دست‌یابی به قانونمندی‌های پایدارتر، استفاده کند. همین هم‌نشینی سبب شده است که در روزگار ما جامعه‌شناسی، روان‌شناسی، اقتصاد، سیاست، حقوق و حتی ادبیات، به نظریه‌هایی علمی دست یابند و کار خود را با این نظریه‌ها پیش ببرند.

در سیر تکوینی روش‌های علمی برای جست‌وجوی حقیقت، فرانسیس بیکن (۱۲۹۴-۱۲۱۴) روش مشاهده‌ی مستقیم را جایگزین اندیشه‌های ذهنی کرد تا از خطاهای احتمالی ذهن، در اثر استنباط‌های فردی‌ای که بر دانش‌های پیشین تکیه ندارد، کاسته شود.

رنه دکارت (۱۶۵۰-۱۵۹۶) شک را در برابر قطعیت نهاد و سبب شد که محققان هیچ چیز را در آغاز و به محض برخورد با آن قطعی تصور نکنند و از تعصب و پیش‌داوری و سبق ذهن بپرهیزند. البته پیش از دکارت امام محمد غزالی (۵۰۵-۴۵۰)، در جهان اسلام در باب ارزش و حدود دانش بشری شک کرده بود.

دکارت توسل به عقل را راه رهایی از پیش‌داوری‌ها تشخیص داد و معرفت عقلی را پایه و مایه‌ی هر پژوهشی دانست. روش او در راه بردن عقل برای رسیدن به حقیقت علمی، هنوز هم معتبر است. او کوشید به یاری آن‌ها، دریافت‌های شهودی و اشراقی را که فردی است، از معرفت علمی که خاصیت جمعی دارد، جدا کند.

چهار اصلی که او در روش راه بردن عقل، پیش‌نهاد کرد و در این جا به اختصار به آن اشاره می‌کنیم، هنوز هم اعتبار دارد:

۱- هیچ چیز را تا درستی‌اش برای پژوهشگر محقق نگردد، نپذیرد. با شکیبایی و پرهیز از شتاب‌زدگی و پیش‌داوری، موضوع را با تکیه بر دستاوردها علمی بشناسد و از تکرار دانسته‌های پیشین خودداری کند.

- ۲- برای این کار باید موضوع در حد امکان تجزیه شود. زیرا هیچ چیز در حالت کلی به طور کامل شناخته نمی‌شود.
 - ۳- در شناخت واقعیت باید از نظم خاصی استفاده کرد و تقدیم و تأخیر منطقی اجزای امور را در نظر داشت.
 - ۴- در بررسی موضوع باید با استقصای کامل، همه‌ی جوانب را لحاظ کرد تا اطمینان حاصل شود که در رابطه با موضوع چیزی از قلم نیفتاده است.
- دکارت از این اصول برای ارزیابی دانش بشر تا رسیدن به تبیین علمی پدیده‌ها استفاده کرد و دریافت‌های ایمانی و دلی را که تن به قوانین علمی نمی‌دهند، از این قلمرو بیرون برد. این شیوه‌ی علمی پژوهش، ادامه یافت و دانشمندان دیگر هم به کمال آن کمک کردند.
- مطالعه‌ی مختصر تاریخ علم نشان می‌دهد که هدف اصلی و غرض کلی تمام مطالعات پژوهشی، دستیابی به حقیقت در موضوع‌های مورد مطالعه است. بی‌گمان رسیدن به این هدف، آداب و قواعد و اصولی دارد که بی‌توسل به آن‌ها تحقق نمی‌یابد. این قواعد و اصول را باید در کتاب‌های روش تحقیق خواند و آموخت و به کار بست. اما مهم‌ترین اصل برای دستیابی آسان‌تر و درست‌تر استفاده از «روش‌های» مناسب تحقیق است. بنابراین «روش‌شناسی»؛ یعنی بررسی راه‌ها یا استفاده از ابزارهایی که دستیابی به حقیقت را آسان می‌کند، یکی از اجزای جدایی‌ناپذیر هر پژوهش و از آن جمله پایان‌نامه‌نویسی، خواهد بود.

تورج عقدایی

شهریور ۱۳۹۳